

آوار رکود بر تن تولید داخلی

کاهش تقاضا پس از جنگ ۱۲ روزه اکنون مهم‌ترین تهدید پیش‌روی صنایع، بنگاه‌ها و کارگران کشور است



میزان تقاضا در جامعه را دستخوش تغییر کرده و از آن خواهد کاست، رکود تقاضا نیز در نهایت همچون آواری بر تن تولید فرو خواهد آمد.

مصرف خانوار به‌عنوان سنگ‌بنای فعالیت‌های اقتصادی، به واسطه مؤلفه‌هایی همانند درآمد، قیمت‌ها و انتظارات اداره می‌شود. خانوارها در زمان صلح، هزینه‌های ضروری و غیرضروری را با توجه به درآمدهای پایدار و چشم‌انداز رشد متعادل می‌کنند. جنگ، تعادل را از بین می‌برد و با کاهش درآمد و افزایش قیمت، باعث القای عدم قطعیت اقتصادی در میان مردم می‌شود. پژوهشی اقتصادی در سال ۲۰۰۷ نشان داد بحران‌ها، مصرف را به سمت ضروریات هدایت می‌کند؛ چرا که خانوارها، بقا را بر خریدهای اختیاری اولویت می‌دهند. چنین الگویی، نشان‌دهنده کاهش انتظارات اقتصادی است؛ زیرا شهروندان پیش‌بینی می‌کنند سختی‌های طولانی‌مدت، ادامه خواهد داشت و از دولت می‌خواهند برای تثبیت قیمت‌ها یا ارائه کمک‌های لازم اقدام کند.

الگوهای روان‌شناختی بین‌المللی نشان می‌دهد «ترس، ریسک‌گریزی را افزایش می‌دهد و خانوارها را به حفظ منابع ترغیب می‌کند». فرضیه درآمد دائمی که سال ۱۹۵۷ از سوی میلتون فریدمن، اقتصاددان آمریکایی مطرح شد، فرض را بر آن می‌گیرد که «مصرف، به درآمد مورد انتظار آینده بستگی دارد»، اما جنگ این چشم‌اندازها را با ابهام روبه‌رو می‌کند. اکنون اگرچه این نبرد به پایان رسیده اما با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر کشور هنوز افکار عمومی جامعه بابت آینده سیاسی و اقتصادی نگرانی‌هایی دارد.

ساختار اقتصادی نیز مهم است؛ اقتصاد کشورهای پیشرفته، تقاضا برای سیاست‌های رشدمحور را حفظ می‌کند، در حالی که فروپاشی ناشی از اقتصادهای ضعیف، تمرکز بر بقا را تغییر می‌دهد.

ضرورت تحریک تقاضا

مالک حسینی، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال

مانند یارانه‌های دستمزد و یارانه‌های بیمه‌ای نیز دیده شده و این حمایت‌ها ردیف بودجه موجود نیز دارد و تنها نیازمند تخصیص است. همچنین تنفسی برای برخی کسب‌وکارها از جمله کسب‌وکارهای حوزه آی‌تی که به طور مشخص معلوم است در این دوره آسیب دیده‌اند در نظر گرفته‌ایم و سایر کسب‌وکارها نیز در ادامه مسیر از طریق نظرسنجی بررسی می‌شوند تا جاهایی که فراوانی بیشتری دارد هدف گذاری شود و بتوانیم سرمایه را به آن سمت سوق دهیم.»

اهمیت مشوق‌های فوری دولتی

آرمان خالقی، دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت نیز در گفتگویی با آتیه‌نو به تشریح اثرات جنگ ۱۲ روزه بر وضعیت تولید کشور پرداخته و می‌گوید: «اگرچه این حملات به نوعی غافلگیرانه بود اما می‌توان گفت در آن دوره خاص تأثیر ویژه‌ای روی تولید کشور به جا گذاشت و بسیاری از کارخانه‌ها؛ به ویژه آنها که محصولاتشان جزو کالاهای ضروری بود، در این مدت بدون تعطیلی روند تولید را دنبال کردند.»

وی ادامه می‌دهد: «اما حالا تأمین نقدینگی امری بسیار مهم است. برای اینکه امنیت شغلی نیروی کار تضمین شود لازم است دولت مشوق‌هایی را برای واحدهای تولیدی و صنعتی در نظر گیرد؛ چرا که اکنون این واحدها با فشارهای متعددی مواجه هستند و چنانچه شرایط جامعه نیز منجر به کاهش نقدینگی در میان مردم شده و بازار را با رکود مضاعف مواجه کند، بی‌شک کارفرمایان چاره‌ای به غیر از تعدیل نیرو نخواهند داشت. بر همین اساس، برای جلوگیری از بیکار شدن کارگران لازم است دولت هرچه زودتر بسته حمایت از صنایع را تخصیص دهد.»

خالقی می‌گوید: «با وجود این، شرایط آینده تعیین‌کننده خواهد بود؛ چرا که اگر بازارها دچار رکود شده و قدرت خرید مردم کمتر شود این احتمال وجود دارد که کارفرمایان به ناچار شیفت‌های کاری و تعداد نیروی انسانی خود را کاهش دهند.»

وی با تأکید بر اینکه لازم است دیپلماسی اقتصادی، بهره‌گیری مناسب از بازار صادرات و حمایت‌های

مختلف در آینده مورد توجه بیشتر قرار داشته باشند، اظهار کرد: «در بسیاری از کشورهای دنیا نیروی کار در چنین وضعیتی به طور توافقی با یکدیگر همدلی می‌کنند؛ چرا که می‌دانند کارفرمایان توان پرداخت بیشتری ندارند و یا باید به تعدیل نیروی کار بپردازند یا بر اساس توافقات صورت گرفته افراد شاغل مبالغ کمتری را دریافت کنند تا با همدلی از اخراج نیروهای کار در شرایط دشوار جنگی جلوگیری شود. این تجربه در بسیاری از کشورها از جمله اوکراین نیز وجود داشته است. برای خروج از این شرایط راه‌های بسیاری وجود دارد، اما آنچه در حال حاضر می‌توان به آنها اشاره کرد مواردی مانند مشوق‌های مزدی، تأمین اجتماعی و مالیاتی است، در حدی که جلوی خسارت و تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی گرفته شود؛ چرا که به هر صورت در شرایط جنگی ما شاهد وضعیت ویژه‌ای هستیم که کنترل و مدیریت آن از توان بنگاه‌های اقتصادی خارج بوده و لازم است دولت نیز در این زمینه همراهی لازم را داشته باشد.»

تغییرات مداوم در قوانین و مقررات، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده است. این بی‌ثباتی حقوقی و اداری نه تنها هزینه‌های جانبی تولید را افزایش داده، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را نیز کاهش داده است. نبود چارچوب قانونی پایدار و قابل پیش‌بینی، مانع بزرگی برای جذب سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود.

تورم؛ مانع تولید

تورم مزمن و نوسانات شدید اقتصادی فشار سنگینی بر تولیدکنندگان وارد کرده است. افزایش پیوسته هزینه‌های مواد اولیه، انرژی، حمل‌ونقل و نیروی انسانی، حاشیه سود تولید را کاهش داده و توان رقابت محصولات ایرانی در بازارهای داخلی و بین‌المللی را تضعیف کرده است. در چنین شرایطی، تولیدکنندگان نمی‌توانند با اطمینان برنامه‌ریزی کنند و تمایل به سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش تولید کاهش یافته

تولید در ایران مانع کم ندارد و شاید بر همین اساس هم هست که در گذشته بسیاری از واحدهای تولیدی و کارخانه‌های نام‌آشنا به ورطه تعطیلی کشیده شده‌اند. در شرایط تحریمی از تأمین ارز و مواد اولیه گرفته تا تورم ترمز بریده، دستمزد نیروی کار، افزایش هزینه‌های انرژی، قطعی‌های گاه و بیگاه برق و گاز، قوانین خلق‌الساعه و بسیاری موارد دیگر کمر تولید را خم کرده و حالا شاید وقوع جنگ ۱۲ روزه ضربه‌ای محکم‌تر بر این پیکر نحیف باشد.

نبرد تحمیل شده به ایران اگرچه زیاد استمرار پیدا نکرد و در ۱۲ روز به آتش‌بس رسید اما تبعاتی قابل توجه بر اقتصاد داشت؛ به‌ویژه آنکه همچنان تا بازگشت اطمینان به جامعه نیاز به زمان است. طی این دوره اگرچه بطور جدی آسیبی متوجه واحدهای تولیدی و صنعتی کشور نشد اما طیف آنچه کارشناسان عنوان کرده‌اند شهروندان کشورهای درگیر جنگ، با افزایش تورم، کاهش درآمدها و فروپاشی زیرساخت‌ها در اثر اولویت‌بخشی به نیازهای نظامی روبه‌رو می‌شوند و این موضوع، عدم قطعیت را افزایش می‌دهد. پدیده عدم قطعیت، خواسته‌های مردم را از آرمان‌های رفاه بلندمدت به سمت تأمین نیازهای فوری برای بقا هدایت می‌کند؛ پدیده‌ای که در حالت کلی منجر به کاهش تقاضا و رکود در بازارها می‌شود.

بررسی جنگ‌های صورت گرفته در دنیا گویای آن است که به‌طور کلی جنگ، عمیق‌ترین تأثیر را بر متغیرهای کلیدی اقتصادی بر جاس می‌گذارد و اولویت‌های عمومی را با تغییر روبه‌رو می‌کند. خانوارها در زمان جنگ، هزینه استفاده از کالاهای غیرضروری را کاهش می‌دهند و در عوض به جمع‌آوری و گاهی حتی احتکار کالاهای ضروری می‌پردازند. آنها همچنین به بازارهای غیررسمی تکیه می‌کنند که بتوانند نیازهایشان را برآورده کنند. جنگ داخلی سوریه، نمونه کامل این پدیده است. بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ گزارش داد در میانه جنگ داخلی سوریه، اقتصاد بازار سیاه شکل گرفت و به فروپاشی اقتصادی انجامید. همچنین، در زمان جنگ، سرمایه‌گذاری، چه در ابعاد داخلی و چه در ابعاد خارجی کاهش می‌یابد و اصلی‌ترین دلیل این کاهش، خطرات ناشی از تخریب سرمایه است.

رکود تقاضا؛ آواری بر تن تولید

تورم شدید، یکی از دیگر اثرات اقتصادی جنگ‌های نظامی است. چاپ پول با تأمین مالی فعالیت‌های مبتنی بر جنگ از سوی دولت‌ها، فشارهای تورمی را تشدید می‌کند. تحلیل صندوق بین‌المللی پول از اقتصادهای درگیر در جنگ طی سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد کسری‌های مالی زمان جنگ، باعث انبساط پولی، کاهش ارزش پول و افزایش قیمت‌ها می‌شود. اثرات اقتصادی درگیری‌های نظامی، فقط تورم را با تغییر روبه‌رو نمی‌کند. جنگ با از دست دادن گسترده شغل و رکود دستمزد، سطح درآمد را نابود می‌کند. در شرایط جنگی، بازارهای کار سقوط می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی به کمترین سطح می‌رسد. جنگ، کسب‌وکارها را نابود می‌کند و با کاهش فعالیت صنایع، بیکاری را افزایش می‌دهد. شکی هم نیست که هر یک از پدیده‌های افت درآمد، بیکاری یا رشد تورم

بخش صنعت ایران، به‌عنوان ستون فقرات رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال، با موانع سیستمی متعددی روبه‌روست که توان رقابتی و پایداری آن را تهدید می‌کند. تورم پایدار، بروکراسی پیچیده و بی‌ثباتی اقتصادی، محیطی چالش‌برانگیز برای تولیدکنندگان ایجاد کرده و رشد تولید و پتانسیل صادراتی را محدود کرده است. با وجود ظرفیت‌های عظیم صنعتی ایران، رفع این موانع نیازمند اصلاحات هماهنگ و فوری است تا رشد اقتصادی احیا و اعتماد تولیدکنندگان بازسازی شود.

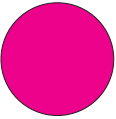
بوروکراسی و تگناهای مالی

تولیدکنندگان ایرانی با مشکلات ساختاری متعددی مواجه‌اند که فعالیت آن‌ها را مختل کرده است. کمبود منابع ارزی و دشواری در تأمین مواد اولیه، قطعات و تجهیزات به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های دسترسی به نظام بانکی جهانی،

اقتصاد

A T I V E N O

یادداشت
O P I N I O N



مهدی صدی

کارشناس انرژی‌های تجدیدپذیر

چشم‌انداز روشن انرژی خورشیدی ایران

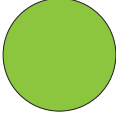
در سال‌های اخیر ناترازی انرژی در ایران به چالشی جدی تبدیل شده است. مصرف برق، به‌ویژه در بخش صنعت و خانگی، با سرعت قابل‌توجهی افزایش یافته و این رشد مصرف فشار زیادی به شبکه برق وارد می‌کند. تولید برق عمدتاً از منابع فسیلی صورت می‌گیرد که هزینه‌های بالایی برای دولت دارد و همزمان آلودگی محیط‌زیستی را تشدید می‌کند. در این شرایط، انرژی خورشیدی به عنوان گزینه‌ای پایدار و مقرون‌به‌صرفه مطرح شده، اما نقش صنایع بزرگ و مصرف‌کنندگان نهایی در توسعه این انرژی پاک تاکنون بسیار محدود بوده است.

برای توسعه فناوری‌های نوین انرژی خورشیدی، همکاری و تبادل تجربیات با کشورهای پیشرو ضرورت دارد، اما تحریم‌ها مانع بزرگی بر سر راه این همکاری‌ها ایجاد کرده است. در این میان، چین به‌عنوان شریک استراتژیک با روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک به ایران، گزینه مناسبی برای همکاری به شمار می‌آید. با این حال، همکاری‌های موجود بیشتر در قالب تفاهم‌نامه‌های نمادین باقی مانده و نقش فعال شرکت‌های ایرانی، به‌ویژه صنایع پرمصرف انرژی، در سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از نیروگاه‌های خورشیدی بسیار کمرنگ است.

صنایع بزرگی مانند فولاد، سیمان و پتروشیمی می‌توانند با سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های خورشیدی برق مورد نیاز خود را تأمین کنند، از یارانه انرژی مستقل شوند و درآمد پایدار ایجاد نمایند. این مدل، سه مزیت مهم دارد: کاهش بار مالی دولت، درآمدزایی برای صنایع و حفظ محیط‌زیست. برای تحقق این هدف، نیازمند طرح ملی احداث نیروگاه‌های خورشیدی هستیم که همه ذینفعان از جمله دولت، صنایع، بانک‌ها و پیمانکاران در آن مشارکت فعال داشته باشند. واردات هدفمند تجهیزات کلیدی از چین و بهره‌گیری همزمان از توان مهندسی و تولید داخل می‌تواند توسعه اقتصادی و سریع این طرح را ممکن سازد.

دولت باید سیاست‌های تشویقی و حمایتی را در اولویت قرار دهد، مانند تأمین مالی ارزان، تعرفه‌های خرید برق مازاد، معافیت‌های مالیاتی برای صنایع پیشرو و تسهیل همکاری‌های فناورانه با چین. تشکیل کمیته مشترک ایران و چین با حضور وزارت نیرو، صنایع و شرکت‌های چینی، مسیر پیگیری و عملیاتی کردن پروژه‌ها را هموار می‌کند. ایران با داشتن بیش از ۳۰۰ روز آفتاب‌بسی سالانه، ظرفیت بالقوه عظیمی برای توسعه انرژی خورشیدی دارد که می‌تواند تحولی پایدار در تأمین انرژی کشور ایجاد کند.

تجربه نشان داده تکیه صرف بر منابع مالی بدون سازوکار اجرایی دقیق، نتیجه بخش نبوده است. اجرای پروژه‌ها باید به صنایع معتبر استانی واگذار شود تا با همکاری پیمانکاران و بانک‌ها، شفافیت و هدفمندی در پیشرفت پروژه‌ها تضمین شود. مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی درباره تأسیس ۷۰۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی، فرصتی واقعی برای تحقق این تحول است.



محبوبه نقره‌خامه

روزنامه نگار

کاهش مصرف خانوار، تردید سرمایه‌گذاران و افت تقاضا، هم‌زمان بنگاه‌های تولیدی را با بحران تأمین و فروش روبه‌رو کرده است